

## The Position of Having the Right to Teach Media Literacy in Controlling the Power of the Government

### Extended Abstract

#### Introduction

Media literacy leads to public rights discourse. The discourse of public law is effective in monitoring the government through the qualitative and quantitative expansion of the demanding element. People are more persistent in insisting on the rights they are sure they have the right to have. In all societies, the interested people with the power of influence in the field of media turn society into an unequal campaign. The way to deal with this is to expand the right to media literacy. In addition, in advertisements that aim to show reality and distort it deliberately and biasedly, if the audience does not have enough knowledge and is deprived of many sources to benefit from information, it will not result in a distortion of reality or an inorganic change of public opinion. The action of the government in promoting media literacy, in addition to fulfilling one of the human rights, is a smart action that is effective in the field of public participation. If citizens benefit from the right to media literacy, we are faced with a controlling power that relies on collective wisdom. The present article is trying to find a universal solution through theory in order to have a micro-oriented government by relying on the processing citizens.

#### Methodology

The method of carrying out library research is analytical-descriptive. In this regard, in order to answer the questions and test the assumptions, the method of content analysis has been used.

The information has been collected by the library method and by extracting vouchers from reliable sources. After collecting information and laws in the fields of freedom of expression, freedom of information, media rights, public opinion and the right to education, the issue has been analyzed. In order to benefit from the role of interactive media, attention has been paid to the recent laws of the parliament and the amount of use of keywords related to those laws in the virtual space before they were approved in the public forum of the parliament. The findings indicate the approval of some recent laws based on public opinion, especially regarding the country's annual budget. The statistical population considered for the research is the Islamic Republic of Iran. Although, the ideas of researchers from other countries and other legal systems have also been used,

#### Results and discussion

Media literacy guarantees the exchange of correct information and rational media filtering by using public wisdom. Media literacy significantly reduces the level of political indifference, a crisis facing modern society. The level of sudden arousal of motions by the media is less observed in societies that have a favorable level of media literacy. In addition to monitoring the government's power, increasing media literacy will increase the psychological security of society. The prerequisites for mastering the skill of selection are awareness and freedom. Strengthening and understanding the world

#### **۴.۷ The Position of Having the Right to Teach Media Literacy**

---

of life by guaranteeing fundamental rights lead to the evolutionary evaluation of justice by citizens. The supervisory function of interactive media plays a critical role in increasing responsibility and accountability in various social fields.

The regulatory role of the media is directly related to the recognition and guarantee of the public domain. The government is obliged to protect the public domain. The exchange of information in the public sphere is considered a part of the new freedoms and the continuation of the right to freedom of expression. People are trying to achieve mutual understanding in their interactions, and the active and interpretive presence of elites in the public domain plays a key role in promoting media literacy. In interactive media, where it is possible to benefit from collective wisdom through public opinion, and in social media, where content is produced by the public, it finds symmetry with Habermas' concept of the world of life. The active presence of citizens in the public domain requires guaranteeing freedom of expression and the right to access information. In this regard, changes in the laws related to the right to teach media literacy are inevitable.

#### **Conclusions**

In the modern government, with the development and growth of the media, the need for media literacy has become an inseparable part of the lives of the citizens of the modern government. The government is obliged to continuously review the laws and regulations in line with media innovations and create the evolutionary course of society through deregulation and policymaking based on needs. The power of cognition, the power of judgment, and data analysis are the fundamental foundations of media literacy education. Media literacy provides the power of understanding, the power of judgment, and the possibility of participating in collective discussions. In modern government, media literacy is the most important platform for the formation of the public sphere. By improving media literacy, the level of conscious participation improves. The public pays more attention to public domain issues.

Operational solution: knowing the laws related to the theoretical field and making demands is based on the principle of the rule of law.

In the laws and regulations of the Islamic Republic of Iran—the second paragraph of the third article, the third paragraph of the forty-third article of the Constitution, Article 26 and Clause 8 of Article 8 of the Civil Service Management Law—all of them have implicitly mentioned the need to promote media literacy as one of the duties of governance.

**Keywords:** Education, Public Sphere, Government, Media Literacy, Supervision.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۳۱

نویسنده مسئول: Farzaneh2139@gmail.com

## جایگاه برخورداری از حق آموزش سواد رسانه‌ای در کنترل قدرت دولت ندا رستگاران

دانشجوی دکتری حقوق عمومی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران.

**عبدالحمید فرزانه\***

استادیار فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران.

**روح الله رحیمی**

استادیار حقوق عمومی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران.

**مهندی شیخ موحد**

استادیار حقوق عمومی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران.

### چکیده

هدف این پژوهش بازناسی حق برخورداری از سواد رسانه‌ای از چشم‌انداز حوزه‌ی عمومی به منظور کنترل قدرت دولت می‌باشد. پژوهش با مذاقه حق برخورداری از سواد رسانه‌ای در تکوین، تغییر، دوام و تثبیت افکار عمومی در حوزه‌ی عمومی، نظارت بر دولت را مورد بررسی قرار خواهد داد. این نوشتار به صورت تحلیلی- توصیفی با روش کتابخانه‌ای برای پاسخ به پرسش‌ها و محک فرضیات انجام شده‌است. نتایج نشان می‌دهد حفظ جهان‌زیست به مدد ارتقای سواد رسانه‌ای حق شهروندان به منظور حفظ حوزه‌ی عمومی است. باز تعریف حوزه‌ی عمومی در جوامع به خواست و مطالبه‌گری جمعی وابسته می‌باشد. از ویژگی‌های این حوزه نظارت‌گری، انتقادگرایی و شفافیت تصمیمات سیاسی ناشی از نیاز عموم به دلیل آگاهی سابق یا افزایش رشد سواد فلی جامعه می‌باشد. با توجه به نتایج، پیشنهاد می‌گردد؛ به منظور ارتقا سطح مشارکت آگاهانه طبق نظریه پارکینسون، سطح سواد رسانه‌ای بهبود یابد بدین منظور آموزش سواد رسانه‌ای نیز محدود به آموزش‌های رسمی نگردد و از گذرگاه‌های متعدد که دارای محمل قانونی می‌باشند، همچون صدا و سیما و آموزش‌های ضمن خدمت با توجه به ظرفیت‌های بالقوه قانون اساسی و قانون مدیریت خدمات کشوری صورت پذیرد.

**کلمات کلیدی:** آموزش، حوزه‌ی عمومی، دولت، سواد رسانه‌ای، نظارت.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۱۲

### مقدمه

سواد رسانه‌ای منجر به گفتمان حقوق عمومی می‌گردد. گفتمان حقوق عمومی با گسترش کیفی و کمی عنصر مطالبه‌گری در نظارت آحاد جامعه بر دولت موثر می‌باشد. افراد در خصوص حقوقی که بر حق داشتن آن یقین دارند پاشاری مصرانه‌تری را انجام می‌دهند. در تمامی جوامع افراد ذی نفع با قدرت نفوذ در حوزه‌ی رسانه، جامعه را به کارزاری نابرابر تبدیل می‌نمایند. راه مقابله با این امر، گسترش حق سواد رسانه‌ای می‌باشد. به علاوه در تبلیغاتی که با هدف وارونه جلوه دادن واقعیت و تحریف عمدى و مغرضانه صورت می‌گیرد در صورتی که مخاطب آگاهی کافی نداشته باشد و از منابع متعدد جهت بهره‌مندی از اطلاعات محروم باشد، نتیجه‌ای جز تحریف واقعیت و تغییر غیرارگانیک افکار عمومی نخواهد داشت. اقدام حاکمیت در ارتقا سواد رسانه‌ای علاوه بر احقاق یکی از حقوق بشر، عملکرد هوشمندانه است که در زمینه مشارکت عموم موثر می‌باشد. در صورت بهره‌مندی شهروندان از حق سواد رسانه‌ای با قدرت کنترل کننده‌ای مواجهه هستیم که متا خذ از خرد جمعی می‌باشد. نوشتار حاضر در تلاش است تا از رهگذر نظریه به یک راهکار عمیاتی به منظور داشتن دولت خردمنور با اتکا به شهروندان پردازشگر دست‌یابد. پژوهش در ساحت حقوق عمومی با محوریت سوالات پیش رو به مبحث کنترل قدرت دولت می‌پردازد.

سواد رسانه‌ای در حوزه‌ی عمومی چه جایگاهی در کنترل قدرت دارد؟ آیا حق برخورداری از سواد رسانه‌ای در مجموعه قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران دارای محمل قانونی می‌باشد؟ شناخت حوزه‌ی عمومی توسط شهروندان چه تاثیری بر بازخورد رفتار عموم در مقابل عملکرد دولت دارد؟ به ترتیب سوالات ارائه شده، فرضیات ذیل ارائه گردید.

\*سواد رسانه‌ای امکان شرکت در بحث‌های عقلائی را به عنوان عنصر شکل گیری افکار عمومی نظارت کننده فراهم می‌سازد.

\*حق برخورداری از سواد رسانه‌ای در مجموعه قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران به صورت پراکنده و غیرصریح عنوان شده است.

نویسنده‌گان؛ ندا رستگاران، عبدالحمید فرزانه و روح الله رحیمی چاپ شده است. موضوع اصلی پژوهش مبانی شکل‌گیری و تاثیرگذاری افکار عمومی می‌باشد که جایگاه نظارتی رسانه‌ها نیز در زیر مجموعه عنوانین مقاله به صورت اجمال بررسی شده است.

### مبانی نظری پژوهش حق آموزش سواد رسانه‌ای

رسمیت یافتن حق آموزش سواد رسانه‌ای به سال ۱۹۸۲ می‌گردد. در این سال آموزش سواد رسانه‌ای جز دستورالعمل‌های سازمان علمی، فرهنگی و آموزشی ملل متحد قرار داده شد. "سواد رسانه‌ای به طور معمول به توافقی دسترسی، درک، ارزیابی و ایجاد محتوای رسانه‌ای تعریف شده است" [۲۰]. حق آموزش سواد رسانه‌ای از حقوق بشر است با این توضیح که "حقوق بشر به عنوان پایه و اولیه، تکلیف و تعهدی بنیادین است که مشروعيت آن مشروط به طرح و تصریح در قانون اساسی نیست" [۱]. بنابراین برخورداری از حق سواد رسانه‌ای به عنوان حق بشریت، مستلزم تصریح مصرح در قانون نمی‌باشد اما "صرف ثبوت نظری حق برای زندگی حق‌مدارانه کفایت نمی‌کند بلکه لازم است تمهیدات لازم از سوی حکومت برای تحقق حقوق مردم فراهم شود" [۲]. واقع سازی مسئولان و مقامات به حق آموزش سواد رسانه باعث ارتقا جایگاه خردگرایی عموم می‌گردد و نقش کارگزاری سیاسی عموم را بر جسته‌تر می‌سازد از این روی رویکرد حاکمیت را بر حکمرانی شهروندان آگاه و پردازشگر منطبق می‌سازد. در حقوق عمومی تلاش بر این است که حق‌های بشری موجه سازی، تأمین و تضمین شوند" [۳]. بدین منظور با تدقیق در قوانین و مقررات جاری کشور به موضوع حق آموزش سواد رسانه‌ای پرداخته خواهد شد.

بند دوم اصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به صورت کلی، به موضوع بهبود سطح آگاهی‌های عمومی تصریح شده است؛ "بالا بردن سطح آگاهی عمومی در همه زمینه‌ها با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه‌های گروهی و وسائل دیگر" از وظایف دولت در قبال عموم می‌باشد که مجرای آن نیز به صورت تمثیلی مطبوعات و رسانه‌های دیگر عنوان شده است. لفظ وسائل دیگر حاکی از توان گنجاندن آگاهی‌های عمومی که سواد رسانه‌ای را نیز شامل می‌گردد در آموزش‌های رسمی می‌باشد. اصل سی ام قانون اساسی به حق آموزش پرداخته است اما در مورد محتوای آموزشی سخنی به میان نیامده است در قوانین عادی نیز

\*افکار عمومی در مسائلی شکل می‌گیرد که عموم در خصوص آن دارای منافع و علاقه مشترک باشند. بازناسی حوزه‌ی عمومی و حق دخالت در آن محرك شهروندان بوده و روند ناظارت عموم را تسربی می‌نماید. روش انجام پژوهش کتابخانه‌ای و تحلیلی\_ توصیفی می‌باشد. در این راستا به منظور پاسخ به پرسش‌ها و محک فرضیات از شیوه‌ی تحلیل محتوا استفاده شده است. در ادامه برخی مستندات مرتبط با موضوع مقاله ارائه می‌گردد.

### پیشینه تحقیق

"تأثیر رسانه‌های نوین بر ساخت قدرت سیاسی در ایران" دهه هشتاد خورشیدی" عنوان رساله دکتری عباس شهراب زاده دانشجوی دانشگاه علامه طباطبائی در سال ۱۳۹۳ می‌باشد. رساله به تفاوت رسانه‌های دولتی و انحصاری با رسانه‌های غیردولتی پرداخته و آزادی در بیان علاقه، عقاید، خواسته‌ها و انتقادات مورد نظر را بررسی نموده است.

"نظارت بر اعمال حکومت در جمهوری اسلامی ایران" عنوان مقاله‌ای است که در دوره سوم فصلنامه مطالعات علوم سیاسی در سال ۱۳۹۶ توسط ابوالفضل رنجبری و مهران مولوی نوشته شده است. پژوهش اعمال ناظارت بر قوای سه‌گانه در ایران را بر مبنای قانون اساسی بررسی می‌کند و به تشریح انواع ناظارت می‌پردازد. ناظارت همگانی نیز بخشی از عنوانین مورد بحث در این پژوهش می‌باشد.

"مبانی و دلایل ناظارت مردم بر دولت در قانون اساسی با تأکید بر رویکرد اخلاقی" عنوان مقاله‌ای کاظم‌زاده است که نشریه پژوهش‌های اخلاقی در پاییز ۱۳۹۷ در صفحات ۱۶۰-۱۳۹ خود آن را منتشر نموده است. در این پژوهش در کتاب دلایل و لزوم ناظارت مردم بر دولت، به انواع ناظارت که یکی از انواع آن؛ ناظارت عمومی یا ناظارت مردم بر دولت است، پرداخته شده است.

پاییز سال ۱۳۹۹ در فصلنامه ناظارت و بازرسی مقاله‌ای با عنوان "بررسی نقش رسانه در سیاستگذاری مبارزه با فساد مبتنى بر رویکرد نظام ملی درستکاری" منتشر گردیده است. در این پژوهش به نقش رسانه‌ها در بهبود عملکرد دولت، بازدارندگی از فساد اداری در دستگاه‌های دولتی و اعمال فشار افکار عمومی به منظور تغییر قوانین و مقررات پرداخته شده است.

"تأثیر افکار عمومی در ناظارت سیاسی بر دولت" عنوان مقاله‌ای است که در فصلنامه مطالعات حقوق عمومی دانشگاه تهران در سال ۱۴۰۲ به صورت الکترونیک توسط

### مفهوم شناسی حوزه عمومی رسانه

به منظور شناخت حوزه عمومی رسانه، ابتدا حوزه عمومی بازشناسی می‌گردد. مفهوم حوزه عمومی با مذاقه به مفهوم حوزه خصوصی قابل درک می‌باشد. جیظه‌ی ارتباطی میان افراد جامعه با معیارهای آزادی و امکان حضور فعالانه‌ی شهروندان ذی نفع در موضوع مطروحه، حوزه عمومی عنوان می‌گردد. "این حوزه محل بحث و تبادل نظر افراد پیرامون مسائل و علاقه‌ی عمومی است و شرایط مناسبی برای زایش افکار عمومی به حساب می‌آید" [۴]. حوزه عمومی را قلمرویی عنوان می‌نمایند که امکان دسترسی عادلانه جهت تبادل اطلاعات و افکار عقلایی عموم را فراهم ساخته باشد. به دلیل عدم امکان حضور افراد جامعه در مکانی حقیقی، رسانه به عنوان ابزار کنترل قدرت در جامعه لیبرالی مدرن با ویژگی تکثر افراد و اندیشه‌ها می‌باشد. "هابرماس تعبیر حوزه‌ی عمومی را برای عرصه‌ای اجتماعی به کار می‌برد که در آن افراد از طریق مفاهمه، ارتباط و استدلال می‌تنی بر تعقل به موضوع گیری‌ها و جهت‌گیری‌هایی هنجاری مشغولند که بر فرایند اعمال قدرت دولت، تاثیراتی آگاهی دهنده عقلانی ساز باقی می‌گذارند" [۵]. حوزه عمومی رسانه محل تکوین، ظهور و بلوغ افکار عمومی می‌باشد. "هابرماس حوزه عمومی را بخشی از زندگی اجتماعی می‌خواند که در آن شهروندان می‌توانند به تبادل نظر درباره اموری پیردازند که از نظر ایشان برای تامین مصالح عامه اهمیت دارد" [۶]. حوزه عمومی بخشی از عرصه‌ی اجتماعی است که به دلیل تعلق آن به عموم افراد جامعه، حق مشارکت فعالانه به کلیه شهروندان اعطا شده است. "از نظر هابرماس حوزه عمومی به معنی دقیق کلمه، عرصه‌ای است که هیچ حد و حدود ایدئولوژیک پیشینی بر فعالیت آن وضع نشده باشد" [۷]. حوزه عمومی رسانه دارای دو معنای موضع و مضيق می‌باشد. در معنای مضيق حوزه عمومی رسانه، حوزه‌ای است که عموم با داشتن تربیتون؛ حق اظهارنظر دارند. در معنای موضع؛ حوزه‌ی عمومی نفع عموم افراد را تامین می‌نماید و یا در سرنوشت جمعی تاثیرگذار می‌باشد. بنابراین عموم افراد حق هر نوع کنشی در راستای منافع عمومی را دارند.

مفهوم شناسی حوزه عمومی رسانه در حقوق عمومی از آن جا حائز اهمیت است که در اصل بیست و چهارم قانون اساسی بیان داشته است؛ مطبوعات نمی‌بایست مخل حقوق عمومی باشد. حوزه عمومی رسانه در ساحت حقوق عمومی با شناخت اصول، مبانی حقوق و آزادی‌های عمومی حاصل خواهد گردید. حوزه عمومی قلمرویی خارج از حوزه

سود رسانه‌ای به صورت صریح مورد توجه قانونگذار واقع نشده است.

با توجه به این امر که "تصمیمات و برنامه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی نظام سیاسی بدون پشتیبانی نظام اداری تحقیق‌پذیر نیست" [۳]، موضوع را در مجموعه قوانین اداری نیز بررسی می‌نماییم؛ طبق ماده ۲۶ قانون مدیریت خدمات کشوری "دستگاه‌های اجرایی مکلفند مردم را با حقوق و تکالیف خود در تعامل با دستگاه‌های اجرائی آشنا نموده و از طریق وسائل ارتباط جمعی به ویژه صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران سطح آگاهی عمومی در این زمینه ارتقا داده و اطلاعات لازم را به نحو مطلوب و مناسب در اختیار مردم قرار دهند". در بخش "ک" ماده هشت قانون مدیریت خدمات کشوری؛ "ارتقاء بهداشت و آموزش عمومی" از امور حاکمیتی بیان شده است. در این ماده امور حاکمیتی را با ویژگی‌هایی چون برابری در برخورداری و نفع همگانی تعریف نموده که "تحقیق آن موجب اقتدار و حاکمیت کشور" می‌باشد. آموزش سود رسانه‌ای به عنوان بخشی از آموزش‌های عمومی دارای ویژگی‌های یاد شده می‌باشد و در نظر گرفتن این حق به عنوان یکی از امور حاکمیتی از باب وظایف دولت است و به مانند دیگر اقسام آموزش خصوصاً آموزش رسمی می‌تواند از مجرای غیردولتی انجام گیرد بنابراین "ذی‌نفعان آموزش سود رسانه‌ای به ویژه بازیگران رسانه و فعالان جامعه مدنی می‌توانند به کمک آموزگاران سود رسانه‌ای بیانند و به آنان قدرت دهند" [۲۱]. در بند سوم اصل چهل و سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز به الزام حاکمیت در فراهم نمودن شرایط کسب خودآموزی و افزایش مهارت‌های شهریوری تصريح گردیده است؛ "تنظيم برنامه اقتصادی کشور به صورتی که شکل و محتوا و ساعت کار چنان باشد که هر فرد علاوه بر تلاش شغلی، فرصت و توان کافی برای خودسازی معنوی، سیاسی و اجتماعی و شرکت فعال در رهبری کشور و افزایش مهارت و ابتکار داشته باشد". این امر می‌تواند شامل فرصت تأمل و تفکر در مسائل جاری حاکمیت تا ارتقای سود رسانه‌ای و امکان شرکت در بحث‌های عقلائی در حوزه عمومی باشد. تصريح به شکل و محتوا در کنار ساعت کار به معنی التزام غیرمستقیم دستگاه‌ها و شرکت‌ها و موسسات به ارائه محتوای آموزشی به منظور اهداف یاد شده می‌باشد که در این بین تلاش در جهت ارتقای سود رسانه‌ای گزینه‌ی متبادر به ذهن می‌باشد.

"از ویژگی‌های دوران پسامدربنیسم را بایستی نوعی خودآگاهی مدرنیته و امکان شک و تردید نسبت به اصول و یا به گفته لیوتار فرا روایت‌های آن دانست" [۱۲]. حق برخورداری از سواد رسانه‌ای جزء حقوق شهروندی در جامعه پسامدربنی است که جدا از جامعه مدرن نبوده و "محدودیت نهفته در مدرنیته را آشکار می‌کند" [۱۳]. پویایی، پرسشنگری و دانش تحلیل داده‌ها از ویژگی‌های جامعه پسامدربنی است که ویژگی‌های جامعه مدرن در آن به تکامل رسیده است. همپا با افزایش قدرت پردازشگری روش‌های تحت تاثیر قرار دادن شهروندان از طریق رسانه نیز متكامل‌تر می‌گردد به شکلی که روش‌های جدید تاثیرگذاری بر مخاطبان و اقناع افکار عمومی نیز سیر تکاملی خود را طی می‌نمایند. بنابراین آموزش سواد رسانه‌ای می‌بایست ویژگی‌های استمرار و انتباخت را داشته باشد.

با توجه به این که تنها راه محدودیت و کنترل قدرت همانا قدرت می‌باشد. این توانایی بالقوه وجود دارد که سواد رسانه‌ای را قدرت عمومی نامید. "در این جوامع قدرت ماهیتی اجتماعی و شبکه‌ای یافته و در سطح جامعه پخش شده است" [۱۳]. بر مبنای نظریه‌ی انتخاب عقلائی، هر نوع کنش و واکنش نیازمند پاداش و انگیزه می‌باشند. هر نوع انقطاع در این زنجیره تاثیر حق برخورداری از سواد رسانه در کنترل قدرت را مختل می‌سازد. "از طریق گفتگو است که افکار عمومی شکل می‌گیرد و از این طریق حوزه عمومی می‌تواند به وظیفه اصلی خود یعنی نقد سیاست‌های دولت بپردازد و موجب عقلائی شدن آن‌ها گردد" [۱۴]. این نوع عقلائی با مفهوم عقلائیت محض در نظریات اندیشمندان مدرن متفاوت است. در عقلائیت محض شهروندان فاقد تسلط بر موضوعات فرض شده و نهاد حاکمیت با تصمیمات یک‌جانبه بحران مشروعیت را برای خویش ایجاد نموده است، در این دولت موازن‌قدر از بین خواهد رفت. تقویت و شناخت جهان‌زیست با تضمین حقوق اساسی به ارزیابی تکاملی عدالت توسط شهروندان منجر می‌گردد.

### کارکرد رسانه‌های تعاملی در کنترل قدرت

کارکرد ناظری رسانه‌های تعاملی، نقش حساسی را در افزایش مسؤولیت و پاسخگویی در زمینه‌های مختلف اجتماعی دارد. "نقش رسانه‌ها را به عنوان ایزار مقابله با فساد می‌توان در دو سطح مورد بررسی قرار داد؛ یکی اقداماتی است که توسط رسانه‌ها در این زمینه انجام می‌گیرد و

خصوصی، مستقل از اقتدار حاکمیت می‌باشد. حوزه خصوصی سه بخش را شامل می‌گردد: ۱- حیطه ایمان دینی و وجдан اخلاقی، ۲- حیطه مبادله کالا و روابط اقتصادی، ۳- حیطه‌ی روابط شخصی و عاطفی و سلیقه‌ای [۸]. در حوزه خصوصی وفاق عمومی لزوم ندارد و به طور معمول وفاق جمعی شکل نمی‌گیرد، بر عکس حوزه عمومی؛ عرصه‌ای است که عموم امکان گفتگو و تبادل اطلاعات در خصوص موضوعات غیر شخصی و غیر سری- امنیتی و دارای نفع همگانی را از مجرای عقلائیت پیدا می‌کند. بنابراین حوزه عمومی رسانه نوعی فضای ارتباطی است که بر همگان قابل دسترسی می‌باشد.

### یافته‌های پژوهش نقش سواد رسانه‌ای در کنترل قدرت

سواد رسانه‌ای ضمن تبادل اطلاعات صحیح و فیلترینگ عقلایی رسانه با بهره‌گیری از خرد عمومی می‌باشد. "سواد رسانه‌ای نه تنها یک عمل به خودی خود است بلکه منجر به تمرینات بعدی می‌شود. به طور خاص، شهروندان را قادر می‌سازد تا انواع خاصی از اقدامات اجتماعی را انجام دهد" [۲۰]. علاوه بر این سطح برانگیختگی ناگهانی و همراه با احساسات به وسیله‌ی رسانه، در جوامعی که در سطح مطلوبی از سواد رسانه‌ای می‌باشند، کمتر مشاهده می‌گردد. با این حال نکته قابل توجه این است که؛ حساسیت به موضوعات سیاسی و سواد رسانه‌ای ارتباط متقابل دارد. "مطالعات و تحقیقات جامعه شناسان ثابت کرده است که هر اندازه موقعیت اجتماعی و سطح تحصیلات افراد بالاتر باشد به سیاست علاقه‌ی بیشتری ابراز می‌کنند" [۸]. سواد رسانه‌ای سطح بی‌تفاوتی سیاسی به عنوان بحران پیش روی جامعه مدرن را کاهش چشم‌گیری می‌دهد و منتج به "شكل‌گیری رسانه‌های شهروندی مبتنی بر دغدغه‌های نهادهای مدنی و ساختارهای خرد اجتماعی" [۹] می‌گردد. هابرماس نقش رسانه‌ها را در سه گروه "تشکیل‌دهنده، محافظ و سالم‌سازنده" [۱۰]، قرار می‌دهد. "مطابق با نظریه بازنمایی در فرآیند تاثیرگذاری بر افکار عمومی، یک رسانه هیچ‌گاه ابزاری خنثی و یک میانجی بی‌طرف در ارائه تصویر به حساب نمی‌آید" [۱۱]. افزایش سواد رسانه‌ای علاوه بر نظارت بر قدرت دولت، موجب امنیت روانی جامعه می‌گردد. ویژگی بارز شهروند جامعه مدرن و پسامدربنی انتخاب‌گر بودن است این مهارت با انتخاب لویاتان آغاز و به تدریج در سایر شئون نمود و بروز پیدا می‌کند. پیش شرط تبحیر در مهارت گزینش، آگاهی و آزادی است.

عموم و نخبگان در حفاظت و ارتقا جهان زیست نقش بهسازی دارد.

هابرmas برخلاف مکتب فرانکورت که در طی حیات علمی این اندیشمند در جریان بوده است و بر مبنای آن عموم را دارای عقل ابزاری و شیوارگی عقلانیت می‌داند قائل به عقلانیت ارتباطی می‌باشد.

به اعتقاد هابرmas؛ "حوزه عقلانیت ارتباطی مستلزم گسترش توانایی‌های کلامی و ارتباطی است که در آن توانایی‌های ارتباطی و کلامی لازم برای ایجاد جهانی عقلانی تحقق می‌یابد" [۶] عقلانیت ارتباطی را با اندکی تسامح می‌توان حق سواد رسانه‌ای در دولت مدرن نامید..

حضور فعالانه شهروندان در حوزه عمومی نیازمند تضمین آزادی بیان و حق دسترسی به اطلاعات است. در این صورت رسانه‌های کنش‌گر و انتقادی در محمل جدید ارتباطی امکان ظهور و نقش آفرینی در حوزه عمومی را بدست می‌آورند.

تمرين عملی آموزش‌های رسمی در این خصوص، در رسانه‌های تعاملی محقق می‌گردد. "تحت سلطه درآمدن حوزه عمومی توسط حکمرانی" [۵]، از نتایج سو استفاده از کارکرد حوزه عمومی و تک بعدی نگریستن به کارایی این حوزه می‌باشد. حوزه عمومی رسانه بستر نقد و اعتراض در جامعه مدرن می‌باشد.

"آزادی کامل رسانه‌ها موجب آگاهی کامل شهروندان، نظارت بر فعالیت‌های دولت، انکاس افکار عمومی، انتقادها و توسعه اقتصادی و اجتماعی خواهد بود" [۱۷]. به عنوان مثال می‌توان به تصویب قانون نظام رتبه‌بندی معلمان مصوب اسفند ماه سال ۱۴۰۰ و آینین‌نامه اجرایی آن در تیرماه ۱۴۰۱ همچنین تصویب‌نامه تعیین سقف کارانه پژوهشکار شاغل در مناطق برخوردار مصوب مرداد ماه سال ۱۴۰۱ اشاره نمود.

به منظور تداوم قوانین منبعث از افکار عمومی می‌باشد، حق برابری افراد در حوزه مشارکت به دور از سلطه قدرت در جهت توازن منافع تضمین گردد. در این راستا تحول در قوانین مرتبط با حق آموزش سواد رسانه‌ای امری اجتناب ناپذیر می‌باشد.

نکته قابل توجه این که؛ افزایش سواد رسانه‌ای باعث رکود رسانه‌های دست دوم، اخبار جعلی و فاقد اصالت می‌گردد. مهم‌ترین روش بهین‌سالاری سخن‌وران در دنیای ارتباطات، آزادی انتخاب رسانه به وسیله ارتقای سواد رسانه‌ای می‌باشد. سواد رسانه‌ای در ظاهر نوعی نظارت مردمی را ایجاد خواهد نمود اما در واقع می‌تواند مشروعیت و

دیگری تاثیری است که این اقدامات در جامعه بر جای می‌گذارد" [۱۵].

نقش نظارتی رسانه، ارتباط مستقیم با شناخت و تضمین حوزه عمومی دارد. "اگر شهروندان باید در دموکراسی نقش ایفا کنند در این صورت به دسترسی به یک نهاد تضمین شده نیاز دارند، مجمعی که در آن نظرات خود را بیان کرده و قادرست مسقیر را زیر سوال ببرند" [۲۲]. تبادل اطلاعات در حوزه عمومی بخشی از آزادی‌های نوین و ادامه حق آزادی بیان محسوب می‌گردد.

"مشارکتی که با هماهنگی، مذاکره و تضمیم‌گیری همزمان همراه باشد، مشارکت بیشتری است" [۱۶]. افراد در تعاملات خویش در تلاش می‌باشند تا به درک مقابل دست پیدا نمایند حضور فعالانه و تفسیرگرایانه نخبگان در حوزه عمومی در ارتقا سواد رسانه‌ای نقش کلیدی ایفا می‌نماید. در تمامی دولتها "می‌توان رسانه‌های جمعی را واسطه‌ای بین نخبگان سیاسی از یک سو و مردم از سوی دیگر دانست" [۲۳]. در رسانه‌های تعاملی به دلیل دوسویه بودن ارتباط، از نوع بازخورد مخاطبین به اطلاعات بسیاری دست می‌یابند. این اطلاعات شامل؛ اطمینان از قابل فهم بودن مطلب، ذائقه مخاطبین و سنجش مقبولیت تولیدکننده محتوا می‌باشد.

تولید محتوا توسط مخاطبین و تسهیل در ارسال بازخورد، ارتباط دوسویه و ارتباط با سایر رسانه‌ها جهت گفتگویی عمیق و متکثر که دارای قدرت نفوذ بالاتری در کنترل قدرت می‌باشد از زمینه‌های تاثیر حوزه عمومی رسانه در کنترل قدرت می‌باشد. حوزه عمومی رسانه در رسانه‌هایی که اطلاعات به عموم به صورت یک طرفه به مخاطبین منفعل انتقال پیدا می‌کند، بسیار کمرنگ می‌باشد. بر عکس در رسانه‌های تعاملی که امکان بهره‌مندی از خرد جمعی از طریق نظردهی عموم وجود دارد و رسانه‌های اجتماعی که تولید محتوا توسط عموم صورت می‌گیرد با مفهوم جهان زیست هابرmas تقارن پیدا می‌نماید.

در صورت عدم انحصار مالی رسانه، وجود حوزه عمومی در این نوع رسانه متحملتر است. غیردولتی بودن رسانه همواره تقارن با دخول در حوزه عمومی ندارد. کما این که در مواردی رسانه دولتی محل ظهور و تکوین مباحثات حوزه عمومی می‌گردد اگرچه رسانه‌ها به صورت عمومی حافظه منافع پشتیبان مالی و معنوی خویش می‌باشند.

زیرمجموعه عناصر تشکیل دهنده حوزه عمومی بر مبنای نظریات هابرmas جهان زیست می‌باشد. جهان زیست حوزه کلامی مشترک افراد مستقل از حوزه دولتی است. کوشش

فراهم می‌سازد. برخورداری از سواد رسانه‌ای شهروندان را به متقدانی آگاه تبدیل می‌نماید که در پیشگیری و شناخت زود هنگام علائم عدم سلامت در دستگاه حاکمیت انگیزه حرکت مبتنی بر حاکمیت قانون را فزونی می‌بخشند. کاهش فاصله بین حاکمیت و عموم شهروندان و در نهایت افزایش مقبولیت داخلی موجب افزایش استقلال در عرصه بین‌المللی و توان افزایی حاکمیت به عنوان قدرت آگاهانه بهبود می‌یابد. ارتقا سواد رسانه‌ای سطح مشارکت آگاهانه بهبود می‌یابد. عموم نسبت به مسائل حوزه عمومی توجه بیشتری می‌نمایند.

راهکار عملیاتی؛ شناخت قوانین مرتبط با حوزه نظری و مطالبه‌گری بر مبنای اصل حاکمیت قانون می‌باشد. در قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران؛ بند دوم اصل سوم، بند سوم اصل چهل و سوم قانون اساسی همچنین ماده ۲۶ و بند هشتم ماده هشت قانون مدیریت خدمات کشوری که در مبانی نظری پژوهش نیز بدان پرداخته شده، بر لزوم ارتقای سواد رسانه‌ای به عنوان یکی از وظایف حاکمیت اشاره غیرصریح شده است. مستفاد از مواد ۲۶، ۲۷، ۲۸ و ۲۹ منشور حقوق شهروندی؛ حاکمیت ملزم به ایجاد رسانه‌های تعاملی است. مواد ۱۹، ۲۲، ۲۳ و ۳۰ منشور حقوق شهروندی بر الزام مسئولین به اداره کشور بر پایه پاسخگویی و شفافیت همچنین حق بر آگاهی به منظور پاسداشت جهان زیست اشاره گردیده است.

پخش بهنگام و جامعیت اخبار از طریق رسانه‌های فعال در حوزه عمومی نقش نظارت آحاد جامعه در کنترل قدرت را افزایش خواهد داد. بدین منظور پیشنهاد می‌گردد؛ اطلاعات قبل از بازه تصمیم‌گیری نهایی منتشر گردد.

فرضیه اول پژوهش اثبات گردید اما فرضیه دوم بدین شکل اصلاح شد؛ در جمهوری اسلامی ایران قوانین و مقررات نسبتاً مناسبی وجود دارد که دولت را مکلف به افزایش سواد رسانه‌ای و استحصال از افکار عمومی از طریق رسانه‌ها می‌نماید. بنابراین بهمنظور رسیدن به اهداف مذکور قوانین جاری کشور، بسته می‌باشد فرضیه سوم نیز اثبات و توضیحات مبسوط درخصوص موضوع آن ارائه گردد. آگاهی و نشر اطلاعات درخصوص موضوع، موجب مطالبه‌گری عموم شده و تحقق اهداف عالی پژوهش را فراهم می‌نماید.

**تشکر و قدردانی:** موردی توسط نویسنده‌گزارش نشده است.

باورپذیری را به ارمغان داشته باشد که باعث افزایش قدرت حاکمیت منبعث از واکذاری اراده مردمی، منطبق با نظریه قرارداد اجتماعی، به دولت خواهد شد. حق آموزش سواد رسانه‌ای، تضمین گر حقوق بین‌الملل شهروندان و یک راه کار بلند مدت مبتنی بر ویژگی جامعه‌ی پسامدرن برای نیل به تعالی حقوق می‌باشد. بر همین اساس برخی معتقدند امروزه در عالم نظر، "عموم به دلیل دسترسی به وسائل ارتباط جمعی قادر به نقش آفرینی موثرتر نسبت به گذشته‌اند" [۱۸].

### نتیجه‌گیری

در دولت مدنی با پیافکنی و رشد رسانه‌ها نیاز به سواد رسانه‌ای جز جداناپذیر زندگی شهروندی دولت مدنی شده است. آموزش سواد رسانه‌ای یکی از تضمینات پایداری نظام خرد محور می‌باشد و حاکمیت موظف است به صورت مستمر قوانین و مقررات را همسو با نوآوری‌های رسانه‌ای بررسی نموده با مقررات‌زدایی و خطمنشی‌گذاری مبتنی بر نیاز، سیر استعلایی جامعه را تکوین نماید. رابطه بین افزایش سواد رسانه‌ای و نظرات بر دولت مقابل و بهم پیوسته است، قدرت شناخت، قدرتِ قضاؤت و تحلیل داده‌ها پایه‌های بین‌المللی آموزش سواد رسانه‌ای می‌باشد. سواد رسانه‌ای قدرت درک و دربی آن قدرت قضاؤت و اعمال شرکت در گفتگوهای جمعی را فراهم می‌سازد زیرا در دولت مدنی مهم‌ترین بستر شکل‌گیری حوزه عمومی رسانه است. سواد رسانه‌ای امکان زیست مسالت آمیز در جامعه‌ای با روایت‌های گوناگون از پدیده‌های واحد را فراهم می‌سازد که بدان اصول اخلاقی گفتمان می‌گویند. نحوه تفسیر از یک پدیده فرد را در گروهی خاص قرار می‌دهد. این گروه‌ها توان بالقوه اثبات عینی ادعای خود و جذب حداثتی افراد جامعه در جهت کسب قدرت حاکمیت یا حداقل؛ اعمال فشار و کنترل قدرت حاکمیت را دارند. بدین ترتیب انحصار قدرت در جامعه شکسته شده و تعادل بین گروه‌ها در زیستی مسالمت آمیز حاصل می‌گردد. در دولت مدنی، حوزه عمومی رسانه در حکم بیت المظالم و محلی برای آگاهی از خواستها و نیازهای عمومی، می‌باشد. زیرا حق سواد رسانه‌ای قابلیت تاثیرگذاری و مشارکت شهروندان در حوزه‌ی عمومی رسانه را به رسمیت می‌شناسد. برخورداری از سواد رسانه‌ای در حوزه عمومی موجب مشارکت عموم در بحث‌های عقلائی شده و این نوع مباحثات با افزایش نظارت عمومی بر حاکمیت، علاوه بر افزایش مقبولیت در راستای امکان نقش آفرینی، زمینه مطالبه‌گری عموم را

8. Habib nezhad S.A., Shirzad O. The Public Sphere and its Relationship with the Constitutional Law System of the Islamic Republic of Iran. Bi-quarterly journal of Human Rights, 1(27), 101-122, 2019. [In Persian].
9. Moghadari M. An Income on Good Governance. Tehran: Jangle, 139-140, 2016. [In Persian].
10. Khaniki H., Alvandi P. Citizen Media and Alternative Public Sphere. Quarterly Journal of Social Sciences, 17(51), 139-188, 2011. [In Persian].
11. Yazd khasti B., Adli pour S. and Sepehri A. Content Analysis of Pages and Groups of Facebook Social Network Using Habermas Theory of the Public Sphere. Social studies and research in Iran, Second period, No.1, 87-110, 2013. [In Persian].
12. Motalebi M. Media and Public Opinion; Recognizing the Performance of Al-Arabiya Network in the Project of Iranophobia and anti-Shiism in the Arab world, Two quarterly soft power studies. The twenty-third period, NO.2, 1-33, 2020. [In Persian].
13. Gorji Azandaryani A. A., Mortezavi H. Concept of Power and Public Order in Postmodern Thought. Public law research, Twentieth year, No.59, 9-33, 2017. [In Persian].
14. Mousavi Shafae S.M., Bayat J. Transformation in Relation between Military Power and Detente Management in the Post-Cold War Era. Political Spatial Planning, 3(4), 256-270, 2021. [In Persian].
15. Pairo F., Motaghi E. and Nava bakhsh M. Sociological Analysis of the Role of Telegram Social Media as a Public Domain in The Elections of the 10th Term of the Islamic Council of Iran. Sociology of social institutions, 5(12), 213-245, 2019. [In Persian].
16. Arayi V., Najafpur Sh. Reviewing the Role of the Media in Anti-

**تاییدیه‌های اخلاقی، تعارض منافع: پژوهش با منافع شخص یا سازمانی منافات ندارد.**  
**سهم نویسندهان و منابع مالی / حمایت‌ها:**  
 موردی توسط نویسندهان گزارش نشده است.

### Reference:

1. Mohseni V., Hashemi S.M., Javid M.J. and Abbasi B. Legal Analysis of the Right of Access to Information by Realizing Citizenship Rights with an Emphasis on the Iranian Legal System. Public Law Research Quarterly, No.62, 321-354 ,2019. [In Persian]
2. Tabatabaei Far S.M. Jurisprudential Aspects of People's Role in Government. Tehran: Ney, 93, 2014. [In Persian].
3. Khosravi H. Foundations and Constituent Ingredients of the Legal and Political Well-Organized Society in the Context of Public Law. Quarterly Journal of Public Law Studies, 1(51), 285-304, 2021. [In Persian].
4. Dalili Didar, E. Assessing the Role of the Country's Governing System in the Foundations of National Power. Political Spatial Planning, 3(2): 81-89, 2021. [In Persian].
5. Yazdanian A., Keshtkar V. The Impact of the Public Sphere on the Participation of Citizens in Urban Affairs with an Emphasis on Urban Regeneration. Haft Shahr, No.53\_54, 157-173, 2016. [In Persian].
6. Bostani M., Poladi K. Examining the Constituent Elements of the Public Sphere in Habermas's Thought. Specialized Quarterly Journal of Political Science, 13(38), 21-42, 2017. [In Persian].
7. Karimi Rahjerdi A., Ghavam A.A., kharaziAzar R. and Geranmaye pour A. The Role of Virtual Social Networks and Mobile Messaging in the Formation of Collective Wisdom. New Media Studies Quarterly, No.17, Fifth period, 1-34, 2019. [In Persian].

- Studies Quarterly, 53, 3(35), 1317-1334, 2023. [In Persian].
20. Moody K.E. A Constructivist Approach to Media Literacy Education: The Role of the Library. Italy: Milan, 4, 2009.
21. Carlsson U. Understanding Media and Information Literacy (MIL) in the Digital Age a Question of Democracy. Sweden: Department of Journalism, Media and Communication (JMG), 63, 2019.
22. Livingstone S., Lunt, Peter. The Mass Media, Democracy and Public Sphere. London: Routledge UK, 10, 1994.
23. Theodore j. Lowie and others. American Government Power and Purpose Core. fifteen edition, New York City: W. W. Norton & Company, 490, 2018.
- Corruption Policies Based on the Approach of the National Justice System. Scientific Quarterly Journal of Naja Supervision and Inspection, 14(35), 39-57, 2021. [In Persian].
17. Dorostkar E. Applying and Assessing Expediency in the Framework of Governance of Urban Management of Tehran Metropolitan. Political Spatial Planning, 3(4), 271-274, 2021. [In Persian].
18. Maleki, J., Vaezi Z., Freedom of the Press Beside Freedom of Information. Media scientific quarterly, No.45, 5-23, 2012. [In Persian].
19. Rastegaran N., Farzaneh A.H. and Rahimi R. The Impact of Public Opinion on Political Oversight of the Government. Public Law